

آیتہ ۶۱

عبرت از عملکرد مردم سال
۶۱ هـ. قمری نسبت به منجی

خیمه هفتم

تیین دوری از منجی
باتعلق به خانواده

برگرفته از کتاب جان جهان امیر بیان قم



آسمانی یا زمینی ...

در حدیث قدسی آمده: «ای عیسی! اگر قلب بنده ای را خالی از محبت دنیا ببینم؛ آن را از محبت خودم پر خواهم کرد».

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۷۹

مقصود از دنیا، تعلق به دنیاست. یعنی اگر قلب ما از دنیا پر شد و به عبارت دیگر تعلق به دنیا پیدا کرد زمین گیر می شویم و اگر قلب ما از خدا و آسمانی ها پر شد آسمان گیر می شویم. **تعلق یعنی نقطه ی گیر.**

حضرت زینب علیها السلام روزی از پدر، سؤال کردند، آیا مرا دوست داری؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: آری، آنگاه آن حضرت در جواب پدر فرمود: دو محب، محبت خدا و محبت فرزندان در قلب مؤمن نمی گنجد. پس اساس این محبت به این دلیل است که محبت واقعی از آن خدا و شفقت و دلسوزی از آن فرزندان است و این محبت به خاطر خدا است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در پاسخ، ایشان را تأیید کرده و ستودند. **(خصایص زینبیه، صفحه ۲)**

یعنی اگر شماها مثلاً برخلاف مقررات الهی عمل بکنید؛ شما را دوست نخواهم داشت. دوستی شما موضوعیت ندارد. دوستی شما در طول دوستی پروردگار است

عشق آسمانی ...

یکی از تعلقاتی که می تواند انسان را به شدت زمین گیر یا آسمان گیر کند یا به عبارت دیگر از اصلی ترین نقاط گیر انسان باشد، تعلق به خانواده و بخصوص فرزند است.

وقتی علی اصغر علیه السلام با تیر حرمه ذبح شد سیدالشهدا علیهم السلام فرمود: آنچه که این بلا را آسان می کند اینست که جلوی چشم خداوند است.

این شدت علاقه سیدالشهدا علیه السلام به فرزندش علی اصغر است وقتی میفرماید خدا چون تو نگاه می کنی تحملش برای من آسان می شود، اشاره به سختی این مصیبت و علاقه حضرت دارد. بله. عشق واقعی آن است چیزی را بیسنندی که محبوبت را راضی میکند. شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم هم همینطور بودند، اینها هم در عصر ما در همین سالهای اخیر زندگی کردند با کلی تعلق و علاقه به خانواده و فرزند، اما چون نگاهشان به آسمان بود آسمان گیر شدند.

این تعلق، خطراتی هم دارد که هرکسی امکان درگیر شدن با آنها را دارد.

جاماندگان...

عمرو بن قیس، به همراه پسرعموی خود در منزل بنی مقاتل به محضر سیدالشهداء علیه السلام وارد شد. در ابتدا عموزاده اش به امام گفت: این سیاهی که در محاسن شما می بینم از خضاب است یا موی شما بدین رنگ است؟ حضرت فرمود: خضاب است، موی ما بنی هاشم زود سپید می شود... آیا برای یاری من آمده اید؟

عمرو بن قیس گفت: عایله زیادی دارم، مال بسیاری از مردم نزد من است و نمی دانم کار به کجا می انجامد. خوش ندارم امانت مردم از بین برود! پسرعمویش نیز همانند او پاسخ داد.

امام فرمود: پس از این جا بروید تا فریاد ما را نشنوید و ما را نبینید، همانا هر کس ندای ما را بشنود و یا ما را ببیند و پاسخ نگوید و به یاری ما نشتابد، سزاوار است که خداوند او را به بینی در آتش افکند. (شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۳)
این تعلق آن‌ها را از یاری امام باز داشت.

نقطه ی گیر را تنظیم کنیم ...

وقتی درگیر تعلقات می شویم زندگی ما از منجی محوری خارج می شود، که از بزرگترین صدمات آن به پوچی رسیدن است. برای اینکه متوجه این سم خطرناک بشویم؛ قبل از هرکاری از خودمان سوالی کنیم که جواب آن به هیچکس مربوط نمی شود و فقط به خودمان برمی گردد، آن سوال این است **که چه بشود؟** اگر منتهی به خالق هستی و منجی شد پوچ نیست در غیر اینصورت تعلقات ما را به ورطه پوچی کشانده و خواهد کشید.

حال چه کنیم که تعلق ما به خانواده نه تنها نقطه ی گیر ما نشود بلکه همراه ما در آسمان گیر شدن باشد. چند راهکار: برای سه چیز ندر کنیم: برای سربازی فرزندانمان برای منجی، برای سلامتی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، که لازم نیست حتما مالی باشد و برای رای سفره و روزی حلال. و مهم تر از همه اینکه در همه لحظات سختی و شادی به یاد منجی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.

شهید حججی در آخرین صوتی که از ایشان برای فرزندش به جا مانده است اینطور حرفش را تمام می کند: بعضی وقتها دل کندن از یکسری چیزهای خوب باعث می شود که یکسری چیزهای بهتر به دست آید.